

دور جدید کشتار زبان فارسی در "بنگاه زبان فارسی"

سرزمین مزبور نفوذ بیشتر یافت و مستقر شد. تزارها، دست به جعل تاریخ مردمان خوارزم و فرارود نزدند، خط‌آنان را به یغمانبردند و بر زبان مردم نتاختند. از این روی، جز این که مردمان مزبور رقیب امپراتوری روس را متحمل شده بودند، چیز زیادی تغییر نکرده بود. با کودتای بلشویک‌ها در نوامبر ۱۹۱۷ (۱)، مسایل سخت دستخوش تغییرات شد. بلشویک‌ها که از هم‌آوایی مردمان خوارزم و فرارود و نیز مردم ایران در پیوند دوباره با ایران (۲) پندها آموخته بودند، دست اندرکار گسستن پیوندهای مردم مزبور با ایران شدند. از این روی، هدف‌های اصلی سلطه‌گران بلشویک، عبارت بود از:

نخست: جدایی زبانی، از راه سرکوب زبان فارسی و تغییر خط.

دوم: جدایی تاریخی، تباری، فرهنگی و... از

اختلال‌هایی در روابط موجود پدیدار می‌شد که امری بود طبیعی. اما، این روال تا آخرین سال سلطه امپراتوری روس بر سرزمین‌های خوارزم و فرارود، جاری و ساری بود.

یکی از سیاست‌های اصلی سران شوروی در منطقه آسیای میانه، فارسی زدایی بود تا بدین وسیله گودال جدایی میان ایران و سرزمین‌های خوارزم و فرارود را ژرف‌تر کنند.

سران اتحاد جماهیر شوروی در این مورد روی تزارها را سفید کردند، زیرا در دوران امپراتوری تزارها، بخش‌بندی‌های منطقه مزبور، پابرجا باقی مانده بود. زبان رسمی و اداری، فارسی بود و دین مردم، اسلام. حتی تزارها، دین اسلام را در سرزمین قزاق‌ها که امروزه به نام جمهوری قزاقستان نامیده می‌شود، ترویج کردند و در دوران سلطه تزاری، اسلام در

دکتر هوشنگ گنجه‌ای

با فروپاشی اتحاد شوروی، تغییری اساسی در نظام حکومتی آسیای میانه به وقوع نپیوست. تنها پسوند "شوروی" از نام جمهوری‌های مزبور حذف شد و دولتمردان منصوب از سوی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به حکومت ادامه دادند. در این میان، تاجیکستان استثناء بود. مردم به پا خاستند و با اراده‌ی خود یک حکومت ملی و مردم‌سالار را برقرار کردند. اما، ضد انقلاب حاکم بر آسیای میانه و حاکمان تغییر چهره داده، به ویژه در ازبکستان، با حمایت فرصت‌طلبان، گسیل نیروی نظامی و... مجلس و دولت ملی‌گرای تاجیکستان را سرنگون کردند و عناصر مرتجع را جانشین آنان ساختند. بدین سان اکنون تمامی حاکمان سرزمین‌های خوارزم و فرارود، از همان سیاستی دنباله روی می‌کنند که در دوران سلطه استعمار شوروی آن را آموخته و مجری آن بوده‌اند. باز هم شاید در این میان، بتوان نوعی استثنا برای دولتمردان تاجیکستان قایل شد.

جمهوری ازبکستان شوروی که به موجب طرح تجزیه ایران و بیج از سوی استالین ایجاد شد، اصلی‌ترین مناطق ایران و بیج و بنگاه زبان فارسی، یعنی شهرهای سمرقند و بخارا را زیر حاکمیت ازبکان قرارداد. پیش از سلطه روس‌ها بر سرزمین‌های خوارزم و فرارود (آسیای میانه) و تحمیل قرارداد آخال به ایران در سال ۱۲۶۰ خورشیدی (۱۸۸۱ میلادی)، نظام اداری سرزمین‌های مزبور بر پایه چهار امارت خویه، بخارا، خوتند و مرو استوار بود. زبان رسمی هر چهار امارت فارسی بود و در آن جابه‌نام شاه ایران خطبه می‌خواندند و سکه می‌زدند. دولت ایران برای این امارت، خلعت امارت گسیل می‌داشت و آنان به خزانه دولت مرکزی مالیات (خراج) می‌پرداختند. البته در اثر تغییر خاندان‌های حکومتی و یا ضعف حکومت مرکزی،



آرامگاه رودکی سمرقندی در بخارا... سمرقند و بخارا که خاستگاه فارسی دری است با تبر تقسیم شوروی جزو قلمرو ازبکان شده است. قدمت بنای آرامگاه رودکی که اینک در میانه پارکی واقع است به دوره سامانیان می‌رسد.

راه جعل تاریخ و ساختن پیشینه‌های دروغین و القای آن به توده‌ها

سوم: جدایی دینی، از راه طرد و سرکوب دین
 نخستین گام در این راستا، از سوی ژوزف استالین به عنوان کمیسر ملیت‌ها، برداشته شد. وی بابرهم زدن بخش بندی پیشین منطقه خوارزم و فرارود و خلق یگان‌های مصنوعی، کوشید تا فارسی زبانان هرچه بیشتر از یکدیگر جدا افتند تا وی بتواند گروه‌های قومی اقلیت را حاکم بر سرنوشته اکثریت کند. تاجیکان از این سیاست استالین با نام "تبر تقسیم" یاد می‌کنند. از سوی دیگر، بلشویک‌ها، خط مردمان ایران، خوارزم و فرارود را تغییر دادند تا بدین سان، آنان را از بهره‌گیری از یادمان‌های فرهنگ مشترک، محروم سازند. افزون بر آن، در سال ۱۹۲۴ میلادی (۱۳۰۳ خورشیدی) که جمهوری تاجیکستان شوروی خلق شد، روس‌ها برای جداسازی فرهنگی آنان از ایرانیان و افغانستانی‌ها، آن را "تاجیکی" نامیدند. چنان‌چه اشاره شد، روسیان در سرتاسر سرزمین‌های خوارزم و فرارود، نخست الفبای لاتین را اجباری ساختند و سپس خط روسی (کریل) را جانشین آن کردند. در نگارش به عمد، آواها را نادرست به کار بردند تا در گویش فارسی در سرزمین‌های آسیای میانه با ایرانیان و افغانستانی‌ها، اختلاف ایجاد کنند. (۳)

هم چنین روسیان با جعل تاریخ و ساختن و پرداختن دروغ‌های بسیار، برای واحدهای مصنوعی ایجاد شده، تاریخ نگاری کردند و فرهنگ نادرست آفریدند. در این مسیر، حاکمان منصوب از سوی بلشویک‌ها، کمابیش هفتاد سال کوشیدند و هزینه‌های گزاف کردند تا میان مردم بخارا، سمرقند، مرو و چارجوی، باباشندگان بلخ، هرات، کابل، شیراز، تبریز، گنجه و اصفهان، جدایی افکنند. نام شهرهای تاریخی را درگون کردند، چکادکوه‌ها را به نام‌نشین و شهرها را به نام استالین و ... نام‌گذاری کردند. ...
 اما، چنان‌چه گفته شد به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، حکام جمهوری‌های نوخاسته که

سرزمین‌شان بر پایه‌ی سیاست "تبر تقسیم" استانی ایجاد شده بود، همان سیاست دیرین را پی گرفتند. در دوران اتحاد شوروی، بزرگترین دشمن زبان و فرهنگ فارسی در آسیای میانه حکام جمهوری ازبکستان شوروی بودند که امروز نیز همان سیاست را پی می‌گیرند. غاصبان سرزمین‌های بخارا، سمرقند، فرغانه، چاچ و ...، یعنی بنگاه زبان فارسی، نخستین اولویت خود را "فارسی زدایی" و محو فرهنگ ایرانی می‌دانستند و می‌دانند.

در بنگاه زبان فارسی و در مهد ایران و یج، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی تحت شدیدترین یورش حاکمان جمهوری ازبکستان است. آنان با فشار، زندانی کردن و ایجاد رعب و وحشت می‌کوشند تا تاجیکان را مجبور کنند که ملیت خود را در شناسنامه‌ها به "ازبک" تغییر دهند. برای استخدام در دوایر دولتی، رسیدن به درجه افسری، برخورداری از مواهب اقتصادی، دستیابی به تحصیلات دانشگاهی باید شناسنامه‌ای داشت که در آن ملیت "ازبک" ذکر شده باشد.

با وجود تمامی این تضييعات، بستن مدرسه‌های فارسی، عدم امکان نشر روزنامه‌ها به زبان فارسی و ...، شمار زیادی از مردم آسیای میانه، زبان فارسی را نگاه داشته‌اند.

بر پایه‌ی گزارش‌های گوناگون، کتاب‌ها و نشریات مختلف، شمار فارسی‌زبانان آسیای میانه، به شرح زیر است:

الف- در جمهوری ازبکستان (۴)

در این سرزمین کمابیش ده میلیون نفر به زبان فارسی سخن می‌گویند. بیش‌ترین شمار فارسی‌زبانان ازبکستان، در استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرهای زیر زندگی می‌کنند:

- استان، شهرستان و شهر سمرقند و شهر اورگوت، بیش از یک میلیون نفر.

- استان و شهر بخارا و شهرستان‌های: غزداون، واکنه، پیشکوه، رامتین و شافراکام، بیش از یک میلیون

نفر.

- استان سرخان دریا، شهر ترند، شهرستان‌های ده‌نو، سرآسیا، بایسون (بسوند)، اوزون، جرگرگان و ... کمابیش یک میلیون و یکصد هزار نفر.

- استان قشقه دریا (کیش رود)، شهرستان دهقان آباد و شهر سبز، شهرستان و شهر کدآب، غزار، کاسان و ... کمابیش ۷۵۰ هزار نفر.

- استان جزخ (دیزک) و شهرستان‌های فارش، نوراتا، خواس، بیک‌آباد و ...، کمابیش ۳۵۰ هزار نفر.

- استان سیردریا، کمابیش ۵۰۰ هزار نفر.

- استان و شهر تاشکند (چاچ-چاچ کند) و شهرستان‌های برج ملا، بوستان لیگ، چرچیک (پرک) بالا، چرچیک (پرک) پایین، فرکت و شهرهای آهنگران، انگران، شهرستان چمگان، پیش‌کند، بوکر، چناس و ...

کمابیش یک میلیون و سیصد هزار نفر

- استان و شهر فرغانه، کمابیش ۶۰۰ هزار نفر

- استان و شهر نمگان، کمابیش ۶۰۰ هزار نفر

- استان اندیجان، کمابیش ۲۰۰ هزار نفر

ب- جمهوری قرقیزستان

جمعیت فارسی‌زبانان جمهوری قرقیزستان، کمابیش سیصد تا چهارصد هزار نفر است که بیشتر در منطقه "اوش" بودوباش دارند.

پ- جمهوری قزاقستان

شمار فارسی‌زبانان جمهوری قزاقستان، کمابیش ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تن برآورد می‌گردد.

ت- جمهوری ترکمنستان

گرچه شوروی‌ها و ترکمانان در دوران سلطه درازمدت بر این منطقه، توانستند با کشتار و نفی بلد و دیگر شیوه‌های جنایتکارانه، زبان فارسی را از شهرهای تاریخی اشک‌آباد (عشق‌آباد)، مرو، چاره‌جوی و ... بزداوند، اما هنوز تعدادی فارسی‌زبان در این جمهوری وجود دارند.

جالب این جاست که تمامی کلیمیان ساکن خوارزم و فرارود، فارسی زبان اند و در حفظ این زبان، سخت کوشا.

ث- جمهوری تاجیکستان

زبان رسمی جمهوری تاجیکستان با جمعیتی بیش از ۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۷ (۵)، فارسی شده است. در جمهوری ازبکستان که بیشترین تعداد فارسی زبانان آسیای مرکزی را در خود جای داده، محدودیت های بسیار برای آموزش به زبان فارسی وجود دارد. آموزش زبان فارسی در آن سرزمین بیشتر به شیوه قدیمی و به صورت مکتب خانه ای انجام می گیرد. چنان که اشاره شد، بسیاری از فارسی زبانان (تاجیک ها)، چه در دوران حکومت شوروی و چه امروزه، در اثر فشارهای وارده مجبور شده اند ملیت خود را در شناسنامه "ازبک" اعلام کنند.

از دیگر اقدام های زشت حکومت ازبکستان در سال های اخیر عبارت است از تصویب نامه ی هیأت وزیران جمهوری ازبکستان در اواخر سال ۱۳۷۷ مبنی بر نابود کردن کتاب های فارسی. گرچه در اصل تصویب نامه ذکر شده است که این فرمان شامل کتاب هایی است که تا سال ۱۳۷۲ به چاپ رسیده اند، اما مجری تصویب نامه ی مزبور یعنی وزارت آموزش و پرورش جمهوری ازبکستان اعلام کرده است که کتاب هایی که بعد از آن تاریخ نیز به چاپ رسیده اند، شامل این دستور خواهد بود.

یکی از نشریات چاپ قزاقستان (۶)، نوشت: تنها در مدرسه ی شماره ۲۱ شهر سمرقند، دوهزار و سیصد و سی و شش جلد کتاب درسی و هزار و هشتصد و سی و پنج نسخه کتاب ادبی به زبان تاجیکی (فارسی)، محو و نابود شد.

در همین راستا، جمال میرسیدوف، یک تن از نمایندگان سازمان دفاع از حقوق بشر در جمهوری ازبکستان گفت: در روستای او که همه ی افراد آن تاجیک

هستند، حتی یک کتاب به زبان تاجیکی (فارسی) باقی نمانده و غم انگیزتر این که نمادهای ادب و علم جهان، چونان کتاب های ابن سینا، سعدی، شکسپیر، پوشکین و ... نیز در حال نابودی است. (۷)

دولت ازبکستان، گروه آموزش زبان تاجیکی (فارسی) را در دانشگاه سمرقند، منحل کرده است.

به موجب تصمیم هیأت

وزیران ازبکستان،

کتاب های درسی و علمی

فارسی در شهر های

سمرقند، بخارا، ترمذ،

تاشکند، فرغانه و ... از دور

خارج و نابود شده است

متأسفانه برابر این یورش آشکار بر زبان فارسی و اقدامات ضد انسانی حکومتگران جمهوری ازبکستان، دولت جمهوری اسلامی که وظیفه دارد عهده دار دفاع از زبان فارسی و حمایت از فارسی زبانان در سرتاسر جهان باشد، سکوت اختیار کرده است. این سکوت رابه چه چیز می توان تعبیر کرد؟

دولت جمهوری اسلامی و نیز سازمان های وابسته به آن و به ویژه وزارت خانه های آموزش و پرورش، آموزش عالی، دانشگاه ها، فرهنگستان ادب و زبان فارسی و ...، وظیفه برخورد با این فرهنگ کشی را بر عهده دارند. هرگونه کوتاهی در این مورد و موارد نظیر آن، از نظر ملت ایران، تاریخ و فرهنگ فحیم ایران، قابل گذشت نیست. پس از گذشت سده ها، پند سعدی را آویزه گوش می کنیم که می گوید:

سعدی، دو چیز می شکند قدر مرد را:
گفتار بی وقوف و سکوت وقوف دار
* * *

منابع و مأخذ:

۱- به موجب تقویم یدلیان، هفتم نوامبر ۱۹۱۷ برابر است با ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷. از این روی بلشویک ها از کودتای نوامبر به عنوان انقلاب اکتبر نام می برند.

۲- پس از فروپاشی امپراتوری روسیه، مردم آرآن (جمهوری آذربایجان) خواستار ایجاد فدراسیون با ایران شدند، مردم نخجوان، خواستار الحاق به ایران گردیدند و مردم بخارا، سمرقند و سرخس و ... اعلام کردند که تمایل به زندگی با دیگر ایرانیان دارند. برای آگاهی بیشتر به کتاب های تاریخ، ادعای نامه ی دولت ایران به انجمن صلح و رسای (۱۹۱۹ میلادی) و اسناد انجمن مزبور، مراجعه فرمایید.

۳- در این جا، تفاوت هایی مانند یای مجهول و مانند آن ها مورد نظر نیست.

۴- سال هاست که حاکمان ازبکستان، چه در دوران پیشین و چه در زمان کنونی، آمار جمعیت رادستکاری می کنند. آن ها جمعیت این جمهوری را بیش از واقعیت اعلام می کنند و شمار فارسی زبانان را کم تر از واقعیت با توجه به این مسیله، برآورد واقعی فارسی زبانان و جمعیت کل جمهوری ازبکستان بسیار مشکل است. طبق آمار رسمی جمعیت برپایه ی آمارهای منتشره از سوی جمهوری ازبکستان، جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۷ کمابیش ۲۳ میلیون نفر اعلام شده است.

۵- Der Fischer weltalmanach ۲۰۰۰

Frankfurt/ M. Oktober ۱۹۹۹

۶- نوویه پوکونیه- چاپ آلمان آتی- ۲۷ آپریل ۲۰۰۱
(۱۳۸۰/۲/۷ خورشیدی)

۷- روزنامه جمهوری اسلامی- یکشنبه ۱۳۸۰/۲/۹